

## دکتر مصدق و دهخدا

در دروه<sup>۱</sup> اول مجلس شوری برای وکلا شهریه‌ای پیش‌بینی نشده بود. وقتی خواستند مبلغی مقرری به‌نام ایشان تصویب کنند برخی با آن مخالفت ورزیدند. از جمله مرحوم میرزا علی آقای تبریزی وکیل مشهد (پدر دکتر مهدی آذر) بود که صریحاً دریافت مزدکار و کالت عامه را موافق شریعت نمی‌دانست. در دوره‌های دوم و سوم و چهارم میزان شهریه<sup>۲</sup> ایشان به دو بیست تومان رسید. در مجلس مبلغ یکصد تومان بر آن افزودند. معدودی از وکلا که با این اضافه پرداخت مخالف بودند، از دریافت سهم خویش خودداری کردند. از جمله مرحوم فیروزآبادی وکیل حضرت - عبدالعظیم بود که سهم خود را در صندوق مجلس به حساب بنیاد مریضخانه‌ای سپرد که بعد با از محل جرایم دیرکرد و غیبت وکلا هم بر آن مبالغی افزوده شد و سرمایه<sup>۳</sup> اولیه بنای مریضخانه فیروزآبادی را در حضرت عبدالعظیم به وجود آورد.

دیگری مرحوم دکتر محمد مصدق بود که بی‌نیازی به خرج داد. و از دریافت صد تومان اضافی ماهانه خودداری کرد. از جمع‌آوری ارقام این مبلغ در طی دو سال بیش از دو هزار تومان در صندوق مجلس شوری فراهم آمد. دکتر مصدق در صدد برآمد از محل این وجوه سیرده کتاب مفیدی را چاپ کند که به روشنی فکر و افزایش معلومات عمومی کمکی کرده باشد. اهمیت کتاب روح القوانین اثر مونتسکیو دانشمند فرانسوی در نظر

شاگرد سابق دانشکده<sup>۱</sup> حقوق سویس به اندازه‌ای بود که آن را برای ترجمه و چاپ و انتشار برگزید. مصدق شنیده یا خوانده بود که میرزا علی‌اکبر - خان دهخدا نویسنده<sup>۲</sup> چرندپرند صوراسرافیل روح‌القوانین را از پیش ترجمه کرده و در دست دارد. لذا مرحوم حسین پرویز مدیر و مؤسس کتابخانه<sup>۳</sup> طهران را که مردی سرشناس و در چاپ و انتشار دیوان ناصر خسرو به حاجی سید نصرالله تقوی و سیدحسن تقی‌زاده ناشر و مقدمه‌نگار کتاب کمک کرده بود و برای تصدی کار چاپ و نشر کتاب منظور در نظر گرفته بود مأمور مذاکره با دهخدا نمود. \*

اینک بقیه این مطلب را از زبان مرحوم پرویز باید شنید که روزی در روزهای سال ۱۳۱۲ یا ۱۳۱۳ در کتابخانه<sup>۴</sup> طهران برای فاضل‌الملک همراز و این‌جانب با حضور ثالثی که نامش از یادم رفته است حکایت نمود. پرویز گفت دکتر مصدق روزی مرا خواست و دستور داد که به منزل دهخدا بروم و نسخه<sup>۵</sup> ترجمه او را از کتاب منتسکیو بگیرم و موافقت او را با چاپ کتاب تحصیل کنم. بی‌درنگ به خانه<sup>۶</sup> دهخدا رفتم و پیغام دکتر مصدق را در باره<sup>۷</sup> نیت خیر او از چاپ و نشر این کتاب و جلب رضایت دهخدا از این‌کار به او ابلاغ کردم. دهخدا اندکی با خوداندیشید و سپس چنین جواب داد و عذر خواست که ترجمه<sup>۸</sup> من از روح‌القوانین به حالت مسوده است و احتیاج به تجدیدنظر و اصلاح و تحریر تازه دارد و بدین سهولت و سرعت برای چاپ و انتشار آماده نمیشود.

پرویز گفت جواب دهخدا را به مصدق در سرای اورسانیدم. مصدق به این جواب قانع نشد و بار دیگر به من گفت باید پیش آقای دهخدا بروید و رضایت او را برای این عمل جلب کنید که یک نفر فرانسه‌دان زبردست و صاحب قلم را زبردست ایشان گذاریم تا در تجدیدنظر و اصلاح

---

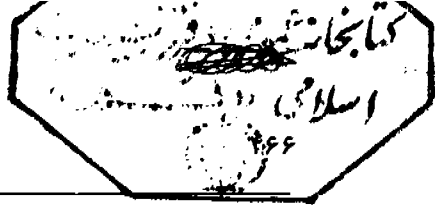
\* - آینده: جزین حسین آقا پرویز (طهرانی) در دوران اقامت دهخدا در ایوردون سویس با دهخدا بود و در طبع و نشر صوراسرافیل دخالت داشت.

و تحریر و تصحیح نمونه‌های مطبوعه‌ای و چاپ کتاب تا پایان کار انتشار در اختیار ایشان باشد و برطبق دستور آقای دهخدا کارها را انجام بدهد و آنگاه سفارش کرد که به هر نحوی میسر باشد آقای دهخدا را بدین کار راضی کنم. بار دیگر رهسپار خانه دهخدا شدم و پیغام جدید دکتر مصدق را کلمه به کلمه با کمال دقت به ایشان تبلیغ کردم و ضمناً گفتم کسی که آقای مصدق برای این همکاری با شما در نظر گرفته آقای نصرالله فلسفی است که صلاحیت او برای چنین کاری و همکاری مورد تصدیق و قبول خود جناب عالی هست. دهخدا از این بابت قدری احساس ناراحتی کرد ولی خودداری نمود و گفت سلام مرا به آقای دکتر مصدق برسانید و بگوئید فعلاً قصد چاپ و انتشار کتاب ترجمه روح‌القوانین را ندارم و به کار دیگری مشغولم که به این زودیها انجام نمیپذیرد. از این توجه و ملاحظت جناب عالی کمال تشکر را دارم فعلاً همان بهتر که از این قصد خیر منصرف شده کتاب دیگری را انتخاب کنید. پرویز گفت وقتی جواب دوم دهخدا را به دکتر مصدق رسانیدم برخلاف انتظار دستور داد که بار سوم به خدمت دهخدا برسم و از زبان ایشان بگویم که دکتر مصدق تصمیم گرفته‌اند از محل وجوه جمع‌آوری شده در صندوق مجلس ترجمه کتاب روح‌القوانین منتسکیو را به چاپ برسانند و نسخه‌های آن را رایگان به مردم بدهند. در درجه اول چاپ ترجمه جناب عالی را اولی میدانست، ولی فعلاً که نمیتوان آن را برای چاپ آماده ساخت اجازه می‌خواهند با چاپ ترجمه دیگری از آن موافقت کنید. ولی بر آن قصد اولیه خود پایدار هستند که هر وقت ترجمه شما برای چاپ آماده گردد آن را هم به صورت بسیار ممتازی به چاپ برسانند و کلیه نسخه‌های آن را در اختیار جناب عالی بگذارند تا از طرف خود به مردم اهدا کنید.

پرویز گفت از آقای دکتر مصدق تقاضا کردم بیایید و از این قصد خیر منصرف شده کتاب دیگری را برای ترجمه به زبان فارسی و چاپ برگزینید. دکتر مصدق گفت شما این پیغام را هم به آقای دهخدا برسانید در صورتیکه رضایت حاصل نکردند کتاب دیگری را انتخاب خواهم کرد.

پرویز گفت بار سوم که به منزل دهخدا رسیدم به محض اینکه با ایشان روبه‌رو شدم گفت آقای پرویز دیگر چکار داری؟ گفتم آقای مصدق از اینکه وسیله چاپ ترجمه شما از روح القوانین فراهم نمیشود فوق‌العاده متأسفند ولی میخواهند رضایت و موافقت جنابعالی را با چاپ ترجمه دیگری از این کتاب جلب کنند. هنوز پیغام مصدق را درست ابلاغ نکرده بودم که دهخدا فوق‌العاده عصبانی شد و با تشدد گفت کار غلط بیجائی میکیند که ترجمه چنین کتابی را میخواهید چاپ کنید. من الان برمیکیزم و به رضاشاه تلفون میکنم و میگویم چاپ این کتاب برضد تاج و تخت تست و برای همین بوده که من ترجمه خود را تاکنون انتشار نداده بودم.

همینکه دهخدا از جای خود بلند شد و به طرف تلفون متوجه گشت من (پرویز) به سرعت از جا برخاستم و اجازه مرخصی از ایشان خواستم و خواهش کردم به چنین اقدامی نپردازند تا من به عجله خود را به دکتر مصدق برسانم و او را از این خیال منصرف سازم. با عجله از منزل آقای دهخدا بیرون آمدم و خود را به خانه دکتر مصدق رسانیدم. در همین ورود بعد از سلام عرض کردم جناب عالی از این قصد خیر صرف نظرکنید و آقای دهخدا را ناراحت نکنید. دکتر مصدق خندید و گفت آقای پرویز باید عین آنچه در این باره میان شما رد و بدل شده برایم بگوئید و یقین داشته باشید اگر ناسزائی هم در آن میان گفته شده باشد مرا نمیرنجاند. از من انکار و از دکتر اصرار تا آنکه با حذف یکی دو کلمه تلخ بقیه را عیناً نقل کردم، دکتر مصدق گفت من از اول میدانستم دهخدا این کار را هنوز انجام نداده ولی شهرت اینکه روح القوانین را ترجمه کرده است برای او دردسر و زحمت روحی تولید میکند. او در شرایط فعلی قدرت انجام چنین کار دقیقی را ندارد و قصدم از این درخواست مکرر تنها این بود که رضایت او را برای نشر ترجمه دیگری از این کتاب قبل از اقدام فراهم آوردم و راه رنجش را بر او ببندم. ولی باور نمی‌کردم آقای دهخدا تا این درجه در چنین امر ناچیزی ناراحتی و سرسختی به خرج بدهد که از ترجمه کتابی به وسیله دیگری آشفته شود. با وجود



آینده، جلد پنجم

این بدان که از این بابت ایدا" رنجیده نشدم و نظر من در مورد آقای دهخدا تغییری پیدا نکرده است.

باید دانست که دکتر مصدق به جای روح القوانین کتاب "تمدن قدیم" فوستل دوکولانژ نویسنده<sup>۱</sup> دیگر فرانسوی را که در زمینه‌های محدودتر ولسی تازه‌تر تألیف شده بود برای ترجمه اختیار کرد و به آقای نصرالله فلسفی معلم تاریخ مدرسه<sup>۲</sup> دارالفنون ارجاع کرد که انصافاً<sup>۳</sup> خوب از عهده<sup>۴</sup> آن کار برآمد و ترجمه‌های خوب و پسندیده و زیبا از زیر چاپ بیرون آورد که تا حال حاضر یکی از نمونه‌های برگزیده<sup>۵</sup> مطبوعات ایران بوده است. بانی خیر ترجمه و نشر، نسخه‌های چاپی کتاب تمدن قدیم را برای هر کسی که درخواست میکرد به نام و نشان او میفرستاد چنانکه این جانب هم به‌وسیله<sup>۶</sup> مرحوم پرویز توانستم نسخه‌ای از مرحوم دکتر مصدق دریافت دارم. عجب است کتاب روح القوانین منتسکوی به احترام سابقه<sup>۷</sup> مرحوم دهخدا از طرف کلیه<sup>۸</sup> فضلائی که دست در کار ترجمه از زبان فرانسه به فارسی بودند ترجمه نشد و سالهای سال متن فرانسه<sup>۹</sup> آن تنها مورد استفاده<sup>۱۰</sup> فرانسه‌دانان قرار میگرفت.

انجمنی از معارفخواهان که کتابهای آلبرت ماله و برخی متون دیگر را از فرانسه به فارسی درآورد و به چاپ رسانید، چنانکه از مرحوم اعتصام‌الملک عضو انجمن شنیده شد به احترام شخص دهخدا از قصد ترجمه<sup>۱۱</sup> این کتاب بلکه کتاب معروف دیگر منتسکیو که "بزرگی و افتادگی روم" باشد چشم پوشید. تا آنکه در حدود ۱۳۲۶ شمسی سرهنگ علی‌اکبر مهتدی رئیس دفتر سرلشکر رزم‌آرا بدین کار پرداخت و نباید آنچه از آقای منصوری مترجم معروف شنیدم، به یاری او روح القوانین را به فارسی درآورد و به چاپ رسانید، ترجمه‌ای که نتوانست حق آن کتاب را چنانکه می‌سزد ادا کند.

این گفتگو و برخورد ناچیز در روابط دکتر مصدق با دهخدا نتوانست اخلاقی تولید کند و رابطه<sup>۱۲</sup> میان ایشان بر مبنای احترام و حسن قبول همواره برقرار ماند.

بطوریکه میدانید در کودتای نافرجام ۲۴ مرداد ۱۳۳۲ که شاه ناگزیر از ترک ایران شد و اندیشه تشکیل شورای سلطنتی در غیاب او بر بساط مذاکره قرار گرفت مرحوم دهخدا از طرف مرحوم مصدق برای ریاست شوری به یادآوری آقای دکتر سیدعلی شایگان و مرحوم دکتر عبداللہ معظمی در نظر گرفته شد. دهخدا بر همین زمینه جدید گفتاری در رادیو ایران ایراد کرد که متن آن در ضمن دو روز به دستور مصدق چندبار از رادیو تکرار شد و بدین نحو اندیشه همکاری دهخدا با جبهه ملی در اذهان قوت گرفت. کودتای ۲۸ مرداد و بازگرداندن شاه از رم به طهران و سقوط حکومت دکتر مصدق تنها برای آن مرحوم نتایج نامطلوبی از توقیف و محاکمه و حبس و کسالت از بی نیاورد، بلکه دردسر آن نصیب مرحوم دهخدا هم شد و از مقام تقریبی که همواره در نظر عوامل حکم زمان داشت فرود آمده اما کدورت و نفرتی که همیشه در گفتار و رفتار شاه نسبت به دکتر مصدق تا نزدیک به خروج دوش از ایران احساس میشد خیلی بیش از آن انزجاری بود که در دل خود نسبت به داوطلبی مرحوم دهخدا برای ریاست شورای سلطنتی میتوانست احساس کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

#### در شماره آینده

مقالاتی از محمد مقدم - هوشنگ دولت آبادی - جهانگیر قائم مقامی -  
عبدالرحمن عمادی - اکبر اصغری تبریزی - محمد دبیر سیاقی -  
ابولفضل آزموده - محمد جواد شریعت - و دیگران